

## بسم الله الرحمن الرحيم

### علل عقب مانی پاکستان و نظام آموزشی فاسد و ناکارآمد آن در چیست؟

#### (ترجمه)

از زمان تأسیس پاکستان تاکنون غفلت فاحش در بخش آموزش جریان داشته است که این کار منجر به محرومیت ده‌ها میلیون پسر و دختر از حق تحصیلی شده که اسلام برای آن‌ها تضمین کرده است.

بنابراین استعمار انگلیس علم را به علوم تجربی و علوم اسلامی جدا نمودند و دو نهاد یا مؤسسه جداگانه‌ی آموزشی (مدارس عادی و مدارس دینی) را ایجاد کردند. این جدایی تقریباً تا به امروز بدون این‌که توجه به دیدگاه اسلام در این مورد داشته باشند، ادامه داشت. لذا اسلام بر عکس تمدن غربی در آن جدایی دین از زندگی وجود ندارد و اسلام در تمام امورات زندگی ما دیدگاه واضح و روشن دارد.

با این حال، سیاست آموزشی فعلی در پاکستان به دنبال ایجاد نسل‌هایی است که دیدگاه‌های مادی (دنیوی) داشته باشند و دیدگاه اسلام نسبت به زندگی دنیوی را نداشته باشند. از سوی دیگر، کسانی که ادعای نمایندگی اسلام را دارند، قادر به اجرای اسلام در زندگی عملی نیستند. این جدایی منجر به انحطاط فکری و پذیرش مفاهیم غربی و گرایش‌های شکل گرفته از آن شده و همچنان منجر به کمبود علما و روشنفکران متخصص و سیاستمداران مخلص گردیده، به همین دلیل است که مردم از «خلاء رهبری» شکایت دارند.

سیاست فعلی آموزش با هدف فاصله گرفتن اسلام از زندگی عملی و تبدیل آن به موضوعی دانشگاهی است، در حالی که اسلام قادر به ساختن شخصیت‌های مخلص و با نشاط است. از این رو، حکومت خلافت مردم را در مورد اسلام به گونه‌ای آموزش می‌دهد که بتوانند اسلام را در زندگی سیاسی خود و همچنین در بخش فردی به کار گیرند و از مفید بودن آن در زندگی خود آگاه شوند و این عبادت الله سبحانه و تعالی است، نه حذف اسلام از زندگی که در نتیجه این امر موجب ایجاد این دیدگاه صحیح در میان پسران و دختران امت می‌شود که دین برای مشکلات اقتصادی و سیاسی امت چه در داخل و چه در خارج راحل می‌دهد.

این همان چیزی است که تمدن اسلامی را قادر ساخت تا بیش از هزار سال چراغ راه مردم باشد. این دولت در بسیاری از زمینه‌ها پسران و دختران برجسته و پیشگامی را تربیه نموده است. مانند: ریاضیات، طب، فقه و نجوم و... زبان عربی زبان رسمی در دولت خلافت و شاخصه روشنفکران اعم از زن و مرد در جهان بود و شهرهای خلافت برای نخبگان اروپایی ترجیح داده شده بود. نظام فعلی از روش‌های نادرست تدریس پیروی می‌کند و برای کسب دانش صرف تمرکز به حفظ کردن دارد به جای این‌که تمرکز بر ساختن مفاهیم با پیوند دادن ایده‌ها به احساسات به روشی واضح، این همان چیزی است که منجر به انحراف از تفکر عقلانی شده که تمدن اسلامی برای چندین قرن آن را دنبال می‌کرد. علاوه بر این، کمبود شدید امکانات آموزشی، کمبود معلمان واجد شرایط وجود دارد و در بسیاری از مدارس تعدادی از دروس اصلی به زبانی تدریس می‌شود که زبان قرآن یا زبان مادری دانش‌آموز نیست.

در سال 2015، پاکستان در بین 120 کشور از نظر تحصیلات، رتبه 113 را کسب کرد. شکست سیاست‌های دولت و کمبود بودجه منجر به شکوفایی بخش آموزش خصوصی گردید؛ به طوری که دانشگاه‌های خصوصی بیش از دانشگاه‌های دولتی رواج یافت که در نتیجه، بار مالی بر والدین افزایش یافت، زیرا اکثریت والدین مجبور هستند برای فرزندان خود معلم خصوصی استخدام کنند و یا هم آن‌ها را به مدارس خصوصی بفرستند؛ این باعث دو برابر شدن زمان، تلاش و هزینه می‌شود.

به دلیل همین کمبودی‌ها، اکثر دانشجویان تمایل دارند برای تحصیلات دانشگاهی به غرب سفر کنند. در نتیجه، پاکستان - و سایر سرزمین‌های مسلمانان - جوانان مستعدی را که در خدمت به امت اسلامی باشد، از دست می‌دهند و از طریق آنچه به

نام "فرار مغزها" نامیده می‌شود. بعداً دلیلی برای بازگشت به پاکستان نمی‌یابند؛ زیرا تحصیلات آن‌ها در صنعت و کشاورزی قابل جذب نیست. به خصوص که دولت نتوانسته است تحقیقات علمی را با نیازهای صنعت و کشاورزی پیوند دهد.

آموزش در پاکستان یک ابزار سیاسی استعماری برای جدا کردن مسلمانان از دین اسلام و میراث اسلامی آن‌ها و جلوگیری از احیاء دوباره و پیشرفت‌شان شده است. سیاست استعماری در آموزش و پرورش مبتنی بر برنامه‌های درسی است که پیوند بین مسلمانان و ایمان اسلامی را قطع می‌کند و این امر با ترویج مفاهیم سکولاریسم لیبرال، دموکراسی و سایر مفاهیمی که برتری ایدئولوژی غربی را تحمیل می‌کند، انجام می‌شود. انگلیسی‌ها در دوران اشغال خود این سیاست‌ها را وضع کردند؛ اما امروز آمریکا، اروپا و نهادهای استعماری مانند بانک جهانی به شدت بر این سیاست‌ها نظارت می‌کنند.

برنامه‌های درسی مکاتب/مدارس دولتی و خصوصی در پاکستان توسط دانشگاهیان غربی با هدف ایجاد تصویری از اسلام، فقط به عنوان یک دین تهیه و نوشته شده است. تحمیل مفاهیم فاسد از تولیدات فکری انسان توسط متفکران، فیلسوفان و دانشمندان غربی و ترویج عشق به غرب و شیوه زندگی آن‌ها و در پایان، ساختن شخصیت‌های سکولار با مرجع غربی، یعنی ایدئولوژی، سرمایه داری و قوانین که بیشتر آن را وضع ساخته است. در نظام فعلی مدرسه‌های اسلام به صورت نظری تدریس می‌شود و با واقعیت پیوندی ندارد. برنامه‌های درسی مدارس دینی فقط منحصر به احکام شرعی مربوط به عبادات و اخلاق است، با ذکر بعضی از احکام میراث، نکاح و طلاق، سایر مقررات مربوط به معاملات. امور اقتصادی، معاملات خارجی و مسائل مربوط به پاسخگویی حاکم مورد غفلت قرار گرفته است.

بودجه دولت برای فراهم کردن امکانات آموزشی، آموزگاران/معلمان آموزش‌دیده با فناوری و انجام تحقیقات کافی نیست. آموزش و پرورش/تعلیم و تربیت را بر اساس دین اسلام توسعه و دولت خلافت مسئولیت تعلیم و تربیت پسران و دختران امت را بر عهده دارد و به زودی هدف اصلی در نظام آموزشی دولتی، تدوین سیاست‌های آموزشی است که شخصیت‌های اسلامی را با ذهنیت و نفسیه قوی آموزش دهد.

بنابراین، برنامه‌های درسی را به گونه‌ای توسعه می‌دهد که طرز تفکر و تفکر تحلیلی و میل به دانش را توسعه دهد، آن هم برای کسب ثواب و رضایت الله سبحانه و تعالی و همچنین کمک‌های ارزنده به جامعه؛ همانطوری که در قانون اساسی تهیه شده توسط حزب التحریر در ماده 170 آمده است: «مبنایی که برنامه درسی بر آن استوار است، باید عقیده اسلامی باشد.» بنابراین، تمام مواد درسی و روش‌های آموزشی به گونه‌ای تنظیم شده که در آموزش و پرورش از این مینا انحرافی وجود نداشته باشد.

تاکید بر علوم تجربی در مقاطع مختلف تحصیلی با هدف توسعه تولید، توسعه و فناوری خواهد بود؛ به طوری که دولت خلافت در زمینه نوآوری‌های صنعتی، صحت/بهداشتی، معماری و سایر الزامات عملی و نیاز بشر پیشرو جهانی شود، علم و فناوری با نیازهای عملی مانند کشاورزی، صنعت و مراقبت‌های بهداشتی مرتبط خواهد بود. این امر، برتری پزشکان، دانشمندان و انجینران/مهندسان را در میان ملت‌ها تضمین می‌کند و از طریق پسران و دختران شایسته مسلمانان با هدف مسلمانی در زندگی انقلابی در خلاقیت و پیشرفت شعله‌ور خواهد شد که دولت خلافت را به عنوان یک دولت مشخص می‌کند. نیروی پیشرو، در مورد آداب فرهنگی، دانش آموزان در مقاطع ابتدایی و متوسطه بر اساس خط مشی خاصی که با عقاید اسلامی مغایرت نداشته باشد، تدریس می‌شود. در مرحله آموزش عالی، مطالعه ادبیات فرهنگی از خط‌مشی و هدف آموزش، خارج نمی‌شود و در قانون اساسی تهیه شده توسط حزب التحریر در ماده 174 آمده است: «در سطوح بالاتر، این دانش به شرطی اخذ می‌شود که منجر به انحراف از خط مشی و هدف آموزش و پرورش نشود.»

زمان کافی برای یادگیری زبان عربی و علوم اسلامی اختصاص داده می‌شود تا اصول اولیه اسلام در کودکان برای کاربرد عملی آن‌ها ساخته شود. فرهنگ اسلامی در تمامی مقاطع تحصیلی آموزش داده خواهد شد و پسران و دختران ما تشویق خواهند شد تا در علوم اسلامی و قضایی فقیه شوند تا بفهمند چگونه اسلام را در زندگی عملی به کار ببرند در قانون اساسی تهیه شده توسط حزب التحریر در ماده 172 آمده است: «هدف از تعلیم و تربیت، ایجاد شخصیت اسلامی و علم و دانش مربوط

به امور زندگی مردم است.» روش‌های تربیتی به گونه‌ای است که به این هدف می‌رسد و هر روشی که به غیر از این هدف منتهی شود، ممنوع است.

در توضیح ماده 175 بیان شد: شاهد آن عمل رسول الله صلی الله علیه وسلم است که احکام اسلام را برای مردان و زنان و پیران و جوانان آموزش می‌داد که نشان می‌دهد اسلام به هر نسلی از مردم می‌آموزاند و در تمام مراحل تربیتی آموزش می‌دهد.

دولت خلافت تسهیلاتی را به مدارس و برنامه‌های آموزشی برای معلمان/آموزگاران به منظور افزایش دانش عینی و به دست آوردن روش‌های آموزشی که فرآیند یادگیری را تسهیل می‌کند، فراهم و آموزش را از ابتدایی تا آموزش عالی ارائه خواهد کرد و جایی است که تمرکز بر پژوهش خواهد داشت و برای تأمین مالی بخش آموزش، دولت درآمدهای خود را مطابق با احکام شرعی تغییر ساختار خواهد داد تا پیشرفت علمی تسریع شود و بازسازی در بخش املاک عمومی (مانند انرژی)، شرکت‌های دولتی (مانند ساخت و ساز در مقیاس بزرگ)، ماشین‌آلات را بسازد و به همه انواع مالیات‌های مرگبار (مانند مالیات بر درآمد و مالیات فروش) که فعالیت‌های اقتصادی را خفه کرده‌اند، پایان می‌دهد. دولت خلافت تلاش خواهد کرد تا یک بار دیگر، امت را پیش ببرد تا چندین قرن به چراغ دانش تبدیل شود.

در قانون اساسی تهیه شده توسط حزب التحریر در ماده 179 ذکر شده است: «دولت کتابخانه‌ها، آزمایشگاه‌ها و سایر ابزارهای دانش را در غیر از مدارس و دانشگاه‌ها فراهم می‌کند تا کسانی را که مایل به ادامه تحقیقات در زمینه‌های مختلف دانش، مانند فقه، حدیث و تفسیر هستند، قادر سازد.» تا در بخش طب، مهندسی/انجینیری، شیمی و از اختراعات و اکتشافات و غیره تا در امت انبوهی از مبتکران، مفکران و مخترعان تربیه شود.

**مترجم: پارسا «امیدی»**